

بررسی تطبیقی فرایندهای یادگیری مشاهده ای بندورا در قرآن Adapt Bandura's theory of visual learning processes in the Quran

Dr. Somayeh Hasan Nia *
 Ph.D in Psychology, Shiraz University
s.hassannia66@yahoo.com

Dr. Babak Shamshiri
 Associate Professor of Philosophy of Education and
 Head of School of Psychology and Educational
 Sciences, University of Shiraz

دکتر سیمیه حسن نیا نویسنده مسئول

دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز

دکتر بابک شمشیری

دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت و رئیس دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
 دانشگاه شیراز

چکیده

Abstract

The present study seeks to adapt Bandura's theory of visual learning processes in the Quran. This theory is one of the most important theories in educational psychology. The main thrust of the present study, is, thus, to adapt visual learning processes in the Quran. More specifically, an attempt is made to determine which Quranic verses and conceptions correspond to the four visual learning processes suggested by Bandura. In order to accomplish this, an analytical-deductive research design is adopted. Given the objectives, the present study could be considered as a Quranic study. The findings suggest that visual learning is used in ethics and in the implementation of religious teachings. In addition, the findings indicate that it is possible to relate each visual learning process to specific verses and discussions contained in the Quran. Note that in this study, each stage is adapted according to the Quran.

Key words: Observation Learning Processes, Bandura, Quran

پژوهش حاضر قصد دارد به تطبیق فرایندهای یادگیری مشاهده ای بندورا که از نظریه های مهم روانشناسی تربیتی است، در قرآن بپردازد. از این رو مساله اصلی این مطالعه، تطبیق فرایندهای یادگیری مشاهده ای بندورا در قرآن است. به عبارت دیگر، پژوهش در پی آن است تا بداند، کدام آیات و مفاهیم قرآنی به هر کدام از مراحل چهارگانه یادگیری مشاهده ای بندورا (توجه، یادداری، بازآفرینی و انگیزش) مرتبط است. برای بررسی و تطبیق موضوع پژوهش از روش تحلیلی - استنتاجی استفاده شده است. بنابراین مطالعه حاضر در زمره مطالعات قرآنی محسوب می شود. این مطالعه نشان می دهد که یادگیری مشاهده ای در علم اخلاق و عملی کردن آموزه های دینی مورد استفاده قرار می گیرد. از سوی دیگر این تحقیق نشان می دهد که می توان هر کدام از فرایندهای یادگیری مشاهده ای را به تفکیک با آیات قرآن و مباحث قرآنی مرتبط دانست.

واژه های کلیدی: فرایندهای یادگیری مشاهده ای، بندورا، قرآن کریم

پذیرش تیر ۹۶

دریافت: تیر ۹۵

نوع مقاله: تحلیلی

مقدمه

یکی از موهبت های خداوند متعال بر انسان، استعداد فطری او، برای یادگیری و کسب معارف و علوم، مهارت ها و صنایع مختلف است که مایه افزایش توان انسان در تحمل بار مسئولیت زندگی در این جهان و در نتیجه سبب عمران و آبادانی آن می شود و به او امکان می دهد که توانایی ها و مهارت های خویش را افزایش دهد تا به آنچه که خداوند بنا به خواست خود برایش تضمین کرده است به مراحل از رشد و کمال برسد.

تعریف یادگیری

مفهوم یادگیری^۱ را می توان به صورت های مختلف تعریف کرد: کسب دانش، اطلاعات، عادت های مختلف، مهارت های متنوع و راه حل های گوناگون حل مسائل. همچنین می توان یادگیری را به عنوان فراگیری رفتار و اعمال مفید و پسندیده و حتی به عنوان کسب رفتارها و اعمال مضر و ناپسند تعریف کرد. پس یادگیری حوزه بسیار گسترده ای را شامل می شود (سیف، ۱۳۹۰: ۲۸). هرگنهان و آلسون^۳ (۲۰۰۹؛ ترجمه سیف، ۱۳۹۰: ۳۸) گفته اند یادگیری یکی از مهمترین زمینه ها در روان شناسی امروز و در عین حال یکی از مشکل ترین

^۱-Learning

^۲-Hergenhahn

^۳-Olson

مفاهیم برای تعریف کردن است. با این حال معروف ترین تعریف یادگیری عبارتست از فرایند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری که حاصل تجربه است. لایت^۱ و کاکس^۲ (۲۰۰۲، نقل از سیف؛ ۱۳۹۰: ۳۲) تجربه را به پیروی از جان دیویی نوعی دادوستد بین فرد یادگیرنده و آنچه در زمان یادگیری، محیط (درونی و بیرونی) او را تشکیل می دهد، تعریف کرده اند. بنابراین خواندن یک کتاب، گوش دادن به یک سخنرانی، زمین خوردن کودک و فکر کردن درباره یک مطلب، تجربه به حساب می آیند که ممکن است به یادگیری منجر شود. متخصصان یادگیری، در طول عمر کوتاه روانشناسی، کوشیده اند تا فرایندهای اساسی یادگیری را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهند و کوشش های آنها به نظریه هایی انجامیده اند که مکاتب مختلف روانشناسی را سبب شده است.

رفتارگرایی^۳

رفتارگرایی یکی از رویکردهای مهم علم روانشناسی است، رفتارگرایی به این معنی است که رفتار را باید به کمک تجربه های قابل مشاهده، تبیین کرد، نه فرایندهای ذهنی (سانتروک^۴، ۲۰۰۴، نقل از سیف، ۱۳۹۰: ۱۲۰). برای رفتارگرایان یادگیری، تغییر در رفتار آشکار است. هرچند در چارچوب رفتارگرایی نظریه های مختلفی پدید آمده اند. اما همه آنها در این نکته اتفاق نظر دارند که موضوع اصلی علم روان شناسی، رفتار قابل مشاهده و اندازه پذیر است. ادانیل، ریو و اسمیت^۵ (۲۰۰۷؛ نقل از سیف، ۱۳۹۰: ۱۲۰) معتقدند که از دیدگاه روانشناسی رفتاری، مهمترین عنصر، رابطه بین محیط و رفتار است، تغییراتی که در محیط ایجاد می شود، به ایجاد تغییر در فرد و در نتیجه یادگیری او، منجر می شود. در این دیدگاه تقویت یادگیرنده پس از انجام یک رفتار پسندیده و کسب پیامد مطلوب، سبب تکرار آن رفتار شده و تنبیه^۶ و دریافت پیامد نامطلوب به دلیل انجام یک رفتار، منجر به بازداری رفتار می شود.

شناخت گرایی^۸

در مقابل نظریه های رفتاری، نظریه پردازان شناختی، یادگیری را کسب و بازسازی ساختارهای شناختی می دانند که از طریق پردازش اطلاعات و ذخیره آن در حافظه ایجاد می شود. نظریه های شناختی یادگیری، بر این باور تاکید می کنند که یادگیری یک فرایند درونی است که ممکن است به صورت تغییر فوری در رفتار آشکار، ظاهر نشود به عبارت دیگر نظریه پردازان شناختی معتقدند که یادگیری به صورت توانایی هایی در فرد ایجاد و در حافظه او ذخیره می شود و هر وقت که بخواهد چه بلافاصله پس از یادگیری چه بعد از گذشت زمان می تواند آن توانایی ها را مورد استفاده قرار دهد. با وجود نظریه های شناختی بسیار متنوع، همه آن ها بر این باورند که خود یادگیرنده در ایجاد یادگیری نقش مهمی دارد (سیف، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

در این دیدگاه علایق و کنجکاوای های خود یادگیرنده در ایجاد، تثبیت و ادامه یادگیری موثر است. در میان نظریه های مختلف یادگیری در مکتب شناخت گرایی، نظریه ای که در ابتدا جزء نزدیک ترین نظریه ها به دیدگاه های رفتاری محسوب می شد و از آنان به شمار می آمد، نظریه یادگیری اجتماعی^۹ بندورا^{۱۰} بود، اما با گذشت زمان به تدریج صورت شناختی به خود گرفت (شانک^{۱۱}، ۲۰۰۱؛ نقل از سیف، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

از شباهت های بین نظریه بندورا و نظریه های رفتاری این است که هر دو مفاهیم تقویت و تنبیه را مورد استفاده قرار می دهند، در ضمن هر دو به وجود عوامل کنترل کننده رفتار باور دارد اما در حالی که رفتارگرایان محرکهای بیرون از فرد را مهمترین عامل کنترل کننده رفتار او می دانند. از نظر بندورا هم محرک های محیط زندگی فرد و هم عوامل شناختی در کنترل رفتار موثرند (سیف، ۱۳۹۰: ۱۶۶). بنابراین در نظریه بندورا ۳ عامل: شخص (باورها، انتظارات، نگرش ها، دانش و راهبرد)، رویدادهای محیطی (فیزیکی و اجتماعی) و رفتارها (عملی و کلامی) بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند که بندورا آن را موجبیت دو جانبه^{۱۲} معرفی می کند. در این دیدگاه، رفتار فرد تحت تاثیر

¹ -Light

² -Cox

³behaviorism

⁴Santrock

⁵Odonnel, Reeve & Smith

⁶reinforcement

⁷punishment

⁸cognitivism

⁹ -social – cognitive theory

¹ -Bandura

0

¹ -Schunk

1

¹ -reciprocal determinism

2

نیروهای اجتماعی است، اما نحوه برخورد و چگونگی تاثیرگذاری بر نیروهای اجتماعی در اختیار اوست. به عبارت دیگر همان طور که شرایط محیطی رفتار فرد را شکل می‌دهد، فرد نیز موقعیت‌ها را انتخاب می‌کند، بر دیگران تاثیر می‌گذارد و از دیگران تاثیر می‌پذیرد. به نظر بندورا فرد نه بوسیله نیروهای محیطی کنترل می‌شود و نه چنان آزاد است که خارج از تاثیر محیط عمل کند. در این دیدگاه رفتار فرد از طریق تعامل او با محیط تبیین می‌شود (پروین و جان، ۲۰۰۱؛ نقل از کدیور، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

در این نظریه، رشد فرایندهای شناختی و خودسنجی، اهمیت ویژه‌ای در تبیین یادگیری دارد. بدین ترتیب به جای تاکید بر عوامل صرفاً بیرونی و محیطی، بر عوامل درونی و بیرونی تاکید می‌شود. درست است که هر رفتار از نتایج آن متاثر است، اما چون نتایج، وابسته به انتظارات درونی فرد است و بسیاری از نتایج با تقویت به وسیله خود فرد تعمیم می‌یابد (یعنی فرد پاداش و تنبیه آن را تعیین می‌کند) نمی‌توان گفت عامل تغییر رفتار فقط محیط است، انسان نتایج را یا مستقیم تجربه می‌کند یا از راه جانشینی و با مشاهده دیگران، اما سرانجام با توجه به نتایجی که خود خلق کرده است، رفتار می‌کند (بندورا، ۱۹۷۷، نقل از کدیور، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

سرمشق‌گیری

یکی از مفاهیم عمده در نظریه شناختی - اجتماعی بندورا، سرمشق‌گیری است. سرمشق‌گیری اصطلاحی کلی است و به آن دسته از تغییرات رفتاری، شناختی و عاطفی اطلاق می‌شود که از طریق مشاهده یک یا چند الگو بدست می‌آید. طبق نظر بندورا سرمشق‌گیری ممکن است شامل تقلید باشد یا نباشد. او در طبقه بندی انواع سرمشق‌گیری، یادگیری پاسخ‌های جدید از طریق مشاهده الگو را مدنظر قرار داده و این قسمت را در آموزش و یادگیری مهم می‌شمارد. او معتقد است که کودکان بسیاری از رفتارهای جدید را با مشاهده رفتار والدین، خواهر یا برادر و همسالان می‌آموزند.

نظریه یادگیری مشاهده‌ای

بنابراین نظریه یادگیری را که بندورا معرفی می‌کند، یادگیری مشاهده‌ای نام دارد. یادگیری مشاهده‌ای از طریق سرمشق‌گیری زمانی اتفاق می‌افتد که فرد رفتاری را با مشاهده عملکرد دیگران بیاموزد. در این نظریه مشاهده الگو می‌تواند به صورت زنده یا غیر زنده، فیلم یا ویدیو، داستان مصور یا سخنرانی باشد. اگر یادگیری از طریق مشاهده با موفقیت همراه نباشد، احتمالاً بدین علت است که یادگیرنده به فعالیت‌هایی که قرار بود از الگو یاد بگیرد، توجه نکرده، یا آنها را به یاد نسپرد، یا توانایی جسمی آن را نداشته و یا مشوق‌های لازم در اختیارش نبوده است (هرگنهان و السون، ۲۰۰۹؛ ترجمه سیف، ۱۳۹۰: ۳۹۷). بنابراین فرایندهای یادگیری مشاهده‌ای عبارت است از: توجه^۱؛ یادداری^۲؛ بازآفرینی^۳ و انگیزش^۴.

اهمیت یادگیری مشاهده‌ای در قرآن

هدف نهایی دین و بعثت پیامبر، قراردادن برنامه عملی پیش روی انسان و کمک به او برای رسیدن به کمال است و در این راه از هیچ تلاشی برای پشتیبانی از انسان جهت عروج و طی مسیر، فروگذار نکرده است. در این راستا انسان با قرار گرفتن در محیط زندگی خود و با برخورداری از نعمت اراده می‌تواند راه درست را انتخاب کرده و به سعادت برسد و یا راه نادرست را برگزیند و به بیراهه رود. در قرآن بارها به ارزش آموختن و یادگیری اشاره شده است. اهمیت این مساله تا بدانجاست که خداوند در اولین پیامش به پیامبر اکرم (ص) فرمود: بخوان. یادگیری به عنوان یک ارزش انسانی با قوه عقل آدمی در هم آمیخته و رهاورد چنین موهبتی ایمان قلبی و انجام عمل صالح است. یادگیری از دیدگاه قرآن، به صورت‌های مختلف قابل حصول است. یکی از این راهها، تقلید^۵ است. قرآن، نمونه‌ای را ذکر می‌کند که در آن چگونگی یادگیری انسان را از این طریق بیان می‌دارد. آنجا که قابیل بعد از کشتن برادرش، نمی‌دانست با جسد او چه کند؟ در اینجا خداوند کلاغی فرستاد که مشغول کردن زمین شد تا کلاغ مرده‌ای را دفن کند. قابیل از کلاغ آموخت که چگونه جسد برادرش را پنهان سازد. آیه ۳۱ سوره مائده این موضوع را بیان می‌کند: (سپس خداوند زاعی را فرستاد که در زمین، جستجو (و کندوکاو) می‌کرد تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: وای بر من! آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟! و سرانجام پشیمان شد).

1 -Pervin & John

2 -observational learning

3 -attention

4 -retention

5 -production

6 -motivation

7 -imitation

در مکتب انسان ساز اسلام بر یادگیری مشاهده ای تاکید فراوانی شده است. نمونه های زیادی را در سیره امامان معصوم می توان نام برد که در آن حضرات معصومین با انجام اعمال عبادی، زمینه یادگیری این امور را برای پیروان خود فراهم کرده اند. از خواندن نماز بر روی منبر توسط پیامبر تا وضو گرفتن امام حسن و امام حسین برای یادگیری پیرمردی که اشتباه وضو می گرفت. یادگیری مشاهده ای نقش مهمی در یادگیری اخلاق دارد، چرا که نشان می دهد فرد مورد مشاهده، توانسته است آنچه را که آموخته و در دل دارد، به عمل درآورد. در مباحث اخلاقی همواره از عملی کردن آموزه های اخلاقی سخن به میان آمده است، تا آنجا که امام صادق (ع) می فرماید: *كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ*، با چیزی غیر از زبانان مردم را دعوت کنید.^۱ یا در آیه ۲ سوره صف در مذمت کسانی که به آنچه می گویند، عمل نمی کنند، آمده است: (برای چه، چیزی را می گوئید که خود عمل نمی کنید). به دلیل آنکه انسان طبیعتاً به تقلید علاقه دارد و بسیاری از رفتارهای خود را از طریق آن یاد می گیرد، در تعلیم و تربیت وجود یک الگوی نیک و شایسته، اهمیت دارد. پیامبر برای اصحاب سرمشقی نیکو بود که نه تنها چگونگی انجام عبادت ها را از آن بزرگوار می آموختند بلکه حسن رفتار و اخلاق پسندیده و به طور کلی آداب برخورد و رفتار انسانی را نیز یاد می گرفتند. قرآن در آیه ۲۱ سوره احزاب انسان ها را به پیروی از پیامبر و فراگیری از آن حضرت سفارش کرده است. *لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللّٰهِ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ*. بحث تقلید و سرمشق گیری تا آنجا اهمیت می یابد که خداوند در آیه ۹۰ سوره انعام از پیامبر می خواهد که به رسولان گذشته، در عقیده، توحید و کارهای با فضیلت که خدا آنها را به سوی آن هدایت کرده است، اقتدا کند. *اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ هَدٰى اللّٰهُ فَيَهْدٰهُمُ اَقْتَدُوْهُ*. البته سرمشق بد و ناهل می تواند، عادت های بد و اخلاق زشت را یاد دهد. اقتدا به پدران در عبادت ها و پایبندی به افکار و سنت های اجداد کسانی که در مقابل پیامبر می ایستادند، از جمله مواردی بود که پیامبر در طول رسالت خود از آن رنج می برد. در هر حال، انجام عملی اخلاقیات باعث تسری آن در جامعه شده و افراد را به پیروی از این مباحث و آراسته شدن به تربیت اخلاقی، ترغیب می کند. در ادامه به بررسی تطبیقی فرایندهای یادگیری مشاهده ای بندورا با مفاهیم قرآنی پرداخته شده است.

توجه در نظریه یادگیری مشاهده ای

اولین فرایند در یادگیری مشاهده ای بندورا، توجه است. پیش از آنکه چیزی از یک الگو یا سرمشق آموخته شود، آن الگو یا سرمشق باید مورد توجه قرار گیرد. از دیدگاه بندورا ویژگی های مختلفی از الگو برای اینکه تا چه حد جلب توجه کننده باشد، مهم هستند. ویژگی های الگو از جمله قابلیت احترام، پایگاه اجتماعی، شایستگی و قدرتمندی او بر جلب توجه مشاهده کننده، اثرگذار است. به طور کلی افراد به الگوهایی توجه می کنند که به کارآمدی مشهورترند و کسانی را که از لحاظ ظاهر یا شهرت ناکارآمد هستند، نادیده می گیرند. در صورت داشتن حق انتخاب، افراد با احتمال بیشتر الگوهایی را انتخاب می کنند که در کارهایشان موفق اند و به آنهایی که به طور مکرر تنبیه می شوند، بی اعتنا می مانند (هرگنهان و السون، ۲۰۰۹؛ ترجمه سیف، ۱۳۹۰: ۴۰۳).

راههای جلب توجه در قرآن

پیامبر اسلام به عنوان یک الگوی موفق و دارای جایگاه اجتماعی، شایستگی و قدرت به خوبی می توانست توجه دیگران را به خود جلب نماید. قرآن به عنوان تنها مرجعی که پیامبر از آن استفاده می نمود، راههایی را برای جلب توجه به کار گرفته است تا پیامبر بتواند با بهره گیری از این راهکارها، افراد را به خود جذب نموده و انجام عمل صالح که نمودی از ایمان است را در آنان تقویت نماید. یکی از راههای قرآن برای جلب توجه، استفاده از داستان ها و مثالها به عنوان روش هایی است که قرآن آنها را به منظور عینی کردن مفاهیم عقیدتی اسلام و نزدیک کردن آنها به اذهان به کار برده است. بنابراین شنونده داستان های قرآن به تماشاگر حوادث و رویدادهایی تبدیل می شود که مواردی برای یادگیری در آنها نهفته است. این موضوع بدون شک توجه مخاطب را به منظره هایی که یکی پس از دیگری از ذهنش می گذرد، جلب می کند. در این روش شوق شنوندگان برانگیخته می شود تا حوادثی را که در داستان بازگو می شوند، با توجه کامل دنبال کند. در داستان های قرآن، زیبایی های هنری خاصی وجود دارد که آنها را از داستان های دیگر متمایز می کند و راهیابی اهداف دینی به نفس انسان را آسانتر و تاثیرشان را در وجدان عمیق تر می کند. قرآن در برخی از داستان ها، از جمله داستان اصحاب کهف، در ابتدا، خلاصه داستان را نقل می کند، سپس وارد جزئیات آن از آغاز تا انجام می شود. اصولاً نقل فشرده داستان، پیش از نقل جزئیات آن باعث تشویق شنوندگان و جلب توجهشان به دنبال کردن جزئیات داستان می شود. در بعضی داستان ها، قرآن با ذکر عاقبت و محتوای بدست آمده، آغاز می کند و سپس جزئیات آن را نقل می نماید. چنانچه در سوره قصص، داستان حضرت موسی با این

رویه ذکر شده است. مثال‌ها نیز با ایجاد مشابهت و همگونی میان معانی و اشیای محسوس، معانی را به صورت عینی در می‌آورند که این خود باعث جلب توجه مخاطب می‌شود (عرب، ۱۳۸۸: ۲۴۲). قرآن، عدم انتفاع کافران از کارهای خودشان در دنیا را به دلیل اینکه بر اساس ایمان نیست به خاکستری تشبیه می‌کند که در روزهای طوفانی باد شدیدی آن را به هوا بلند می‌کند و انسان توان نگهداریش را ندارد. در آیه ۱۸ سوره ابراهیم آمده است: (مثل آنان که به پروردگارشان کافر شدند [این گونه است که] کارهایشان مانند خاکستری است که در یک روز طوفانی باد به سختی بر آن بوزد او پراکنده اش کند؛ بر چیزی از آنچه کسب کرده اند دست نتوانند یافت).

نمونه دیگر به کارگیری مثل در قرآن، مثلی است که خداوند کلمه طیبه (سخن پاکیزه) را به درختی پاکیزه تشبیه می‌کند که مردم از میوه اش استفاده می‌کنند و خود ریشه در اعماق زمین دارد و تنه و شاخه هایش سر بر آسمان دارند و هر زمان که خداوند معین کند به اذن او میوه می‌دهد. در آیه ۲۴ سوره ابراهیم مثل فوق‌الذکر اینگونه بیان گردیده است (آیا ندیده‌ای که خدا چگونه مثلی زده است؟ سخن پاکیزه- اعتقاد درست و ایمان راستین- را چون درخت پاکیزه (قرار داده است) که ریشه آن (در زمین) استوار و شاخه آن در آسمان است- به آسمان سر برآورده است).

یکی دیگر از روش‌های قرآن برای جلب توجه، استفاده از حروف مقطعه است. علامه طباطبایی در تفسیر حروف مقطعه ابتدای سوره شوری، اینگونه بیان می‌دارد که این حروف به منظور ساکت کردن کفار، در ابتدای سوره‌ها قرار گرفته است، چون مشرکین به یکدیگر سفارش می‌کردند (مبادا به قرآن گوش دهید، و هر جا کسی قرآن می‌خواند سر و صدا بلند کنید تا صوت قرآن در بین صوتهای نامربوط گم شود) قرآن این جریان را در آیه ۶ سوره فصلت (لاتسمعوا لهذا القرآن و الغوا فیه...) حکایت فرموده است بنابراین گاهی در هنگام شنیدن صوت قرآن، سوت و کف می‌زدند و صداهای دسته‌جمعی در می‌آوردند تا رسول خدا را در خواندن آن دچار اشتباه سازند، لذا خدای تعالی در آغاز بعضی از سوره‌های قرآن این حروف را نازل کرد تا آن افراد را ساکت کند، چون وقتی این حروف را می‌شنیدند به نظرشان عجیب و غریب می‌آمد و به آن گوش فرا داده، در باره اش فکر می‌کردند و همین اشتغالشان به آن حروف از جار و جنجال بازشان می‌داشت و در نتیجه صدای قرآن به گوششان می‌رسید.

یکی دیگر از روش‌های قرآن برای جلب توجه، به کار بردن سوگند در آغاز برخی از سوره‌های مکی است. پانزده سوره قرآن با سوگند آغاز شده است. از جمله این سوره‌ها می‌توان به والصفات، والذاریات، والطور و ... اشاره کرد که باعث جلب توجه برای گوش دادن به قرآن و توجه به مضامین و مفاهیم آن می‌شود.

یادداری یا یادسپاری در نظریه یادگیری مشاهده‌ای

دومین فرایند در یادگیری مشاهده‌ای بندورا، یادداری یا به یاد سپاری است. برای اینکه اطلاعات بدست آمده از راه مشاهده مفید واقع شوند، باید حفظ گردند. فرایند یادداری نیازمند سازماندهی شناختی، دوباره گوش کردن، رمز گردانی و انتقال اطلاعات سرمشق به حافظه بلند مدت است. به اعتقاد بندورا، فرایندهای یادداری یا به یادسپاری وجود دارند که در آنها اطلاعات به طور نمادی و به صورت تجسمی و کلامی ذخیره می‌شوند. نمادهایی که به صورت تجسمی یا تصویری ذخیره می‌شوند، تصاویر ذخیره شده واقعی از تجارب الگوبرداری شده هستند که مدت‌ها پس از یادگیری مشاهده‌ای قابل بازیابی اند و می‌توان مطابق آنها عمل کرد. برای بندورا دومین و مهمترین رمز، رمز کلامی است. او معتقد است که غالب فرایندهای شناختی که رفتار را نظم می‌دهند عمدتاً مفهومی هستند تا تجسمی. به سبب انعطاف پذیری فوق‌العاده نمادهای کلامی، دشواری‌ها و پیچیدگی‌های رفتار را می‌توان به خوبی در کلمات حفظ کرد. هرگاه رویدادها در حافظه بازنمایی می‌شوند، غالباً نمی‌توان نمادهای تجسمی و کلامی را از هم جدا کرد. وقتی که محرک‌های دیداری و کلامی معانی واحدی را انتقال می‌دهند، افراد اطلاعات ارائه شده بوسیله این رمزهای مختلف را در یک بازنمایی مفهومی مشترک ادغام می‌کنند (هرگنهان و السون، ۲۰۰۹؛ ترجمه سیف، ۱۳۹۰: ۴۰۴). ممکن است فرایند یادگیری مشاهده‌ای در همین مرحله متوقف شود یعنی فرد در عمل نتواند از آنچه کسب کرده، استفاده کند یا اینکه رفتار مشاهده شده را در چارچوب شناختی خود تعبیر کند و رفتارش با آنچه که مشاهده کرده است، قدری متفاوت باشد. در هر حال برای اجرای رفتار مشاهده شده، یک دوره مرور شناختی لازم است. منظور از مرور تاکید بر تکرار آنچه که دیده یا شنیده، در قالب مفاهیم و کلمات است (کدبور، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

یادداری یا یادسپاری در قرآن

در قرآن، برخی از حقایق مربوط به عقیده مانند توحید، ایمان به روز قیامت و مسائل غیبی که قرآن می‌خواهد در اذهان مردم جا بیفتد، از تکرار استفاده شده است. قرآن بعد از مطرح کردن داستان‌های پیامبران، به تکرار این داستان‌ها می‌پردازد، تا حقیقت در اذهان مردم تثبیت شود. خداوند همه پیامبران را در دوره‌های مختلف تاریخ به سوی مردم فرستاد تا آنها را راهنمایی و به یگانه پرستی و شرک

نورزیدن به خدا، دعوت کند و مردم از آنها به عنوان الگوهای عملی برای رسیدن به رستگاری استفاده نمایند، رفتارهای پیامبران را سرمشق قرار داده و سیره آنان را به خاطر بسپارند. بنابراین خداوند به تکرار این داستان‌ها برای شنوندگانی می‌پردازد که انجام عملی رفتار را از آنها می‌خواهد. دلیل دیگر تکرار داستان پیامبران، آشکار کردن سرنوشت کسانی است که پیامبران را دیده و درک کرده‌اند اما در عمل به آنچه که آموخته‌اند، کاهلی نموده‌اند. خداوند با تکرار برخی آیات سرنوشت عمل نکردن به آموزه‌های پیامبران را یادآوری می‌کند. برای مثال در سوره قمر آیه فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي سَه بار تکرار شده است. همچنین در سوره مرسلات آیه وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۱۰ مرتبه تکرار شده است. باید توجه داشت که تکرار داستان‌ها در قرآن، تکرار کامل و یکنواخت نیست، بلکه قرآن تنها حوادثی از داستان را که با روند مفاهیم موجود در سوره هماهنگی دارد، ذکر می‌کند. مثلاً قرآن هرگاه بخشی از یک داستان را تکرار می‌کند معمولاً مفهوم جدیدی را که قبلاً ذکر نکرده است، وارد می‌کند و در الفاظ و کلمات داستان، تعدیل، تقدم و تاخر بوجود می‌آورد. اصولاً تکرار، مساله یادگیری را اعم از اینکه آموخته انسان، یک عادت و سلوک نیک باشد یا بد، تثبیت می‌کند (عرب، ۱۳۸۸: ۲۵۲).

بازآفرینی یا تولید رفتار در نظریه یادگیری مشاهده ای

سومین فرایند در یادگیری مشاهده ای بندورا، فرایندهای بازآفرینی یا تولید رفتار است. فرایندهای تولید رفتار تعیین می‌کند که آنچه یاد گرفته شده است تا چه اندازه به عملکرد تبدیل می‌شود (هرگنهان و السون، ۲۰۰۹؛ ترجمه سیف، ۱۳۹۰: ۴۰۶). گاه مشاهده می‌شود که افراد تنها قسمتی از آنچه را که دیده‌اند، رمزگردانی نموده و به یاد می‌آورند. بنابراین باید به فرد کمک شود تا آنچه را که لازم است، بیاموزد. کم و کسرهای یادگیری تنها در صورتی معلوم خواهد شد که از یادگیرندگان خواسته شود تا آنچه را که آموخته‌اند، عملاً نشان دهند. یکی از تدابیر موثر در شکل‌گیری رفتار آموخته شده، بازخورد اصلاحی است. کسب اطلاع از نتایج کار، یعنی بازخورد ساده بدون همراهی با تقویت یا تنبیه، بر رفتار یادگیرنده تأثیرات سازنده‌ای بر جای می‌گذارد (کدیور، ۱۳۸۸: ۱۱۵). گیچ و برلینر (۱۹۹۲)، نقل از سیف، ۱۳۹۰: ۱۷۰) معتقدند که دادن اطلاعات فوری به یادگیرندگان در مورد پاسخ‌های نامناسبشان، پیش از آنکه این پاسخ‌ها به صورت عادت‌های بد در بیایند، از تدابیر خوب آموزشی است. این نوع بازخورد اصلاحی در ایجاد عملکرد ماهرانه بسیار مهم است. بیشتر مهارت‌های پیچیده از طریق ترکیبی از سرمشق‌گیری، تمرین‌های سازمان‌یافته و بازخوردهای اصلاحی رخ می‌دهد.

بازآفرینی یا تولید رفتار در قرآن

در قرآن به اصل بازآفرینی و تولید رفتار، صراحتاً اشاره شده است. این مساله از روشی که قرآن در خصوص تعلیم خصلت‌های نفسانی پسندیده و اخلاق و عادت‌های رفتاری برتر در پیش گرفته است، روشن می‌شود. قرآن در کنار تعلیم ایمان و عقاید دینی به مسلمانان، به تشویق و راهنمایی آنها در انجام عمل صالح، توجه زیادی کرده است زیرا ایمان راستین بایستی در عمل و رفتار مومن تبلور یابد. چنین ایمانی تنها با آراسته شدن مومن به اخلاق نیکو و پیشی گرفتن در انجام کارهایی که موجب رضای خداوند متعال می‌شود، امکان پذیر می‌باشد. به همین دلیل ایمان در بسیاری از آیه‌های قرآن به همراه عمل صالح آمده است (عرب، ۱۳۸۸: ۲۶۱). برای مثال قرآن در آیه ۲۵، ۸۲ و ۲۷۷ سوره بقره می‌فرماید: (و کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک و شایسته کرده‌اند مژده ده که ایشان را بهشتهاست که از زیر آنها جویها روان است)، (کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند آنان اهل بهشت هستند و در آن جاودانند)، (همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز را برپا داشته و زکات داده‌اند اجرشان برایشان نزد پروردگارش خواهد بود و نه ترسی بر آنان است و نه غمگین می‌شوند).

در خصوص بازخوردهای اصلاحی می‌توان به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تاکید قرآن بر این واجب الهی اشاره نمود. در سوره اعراف آیه ۱۵۷، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه پیامبر جهت اصلاح امت ذکر شده است، (مردم را به سوی خوبی دستور می‌دهد و از بدی‌ها باز می‌دارد).

ضرورت استفاده از امر به معروف و نهی از منکر، جلوگیری از تبدیل شدن رفتارهای بد به عادت است چرا که تشبیت یک رفتار، ترک آن را دشوار می‌سازد. قرآن از استقرار عادت‌های زشت و گناهیانی که در اثر تکرار حاصل می‌شوند، یاد کرده است. این عادت‌ها تا آنجا در انسان مستقر می‌شود که گویا بر عقلش پرده‌ای از زنگار آویخته شده است، به نحوی که از نیروی تشخیص آن جلوگیری می‌کند و برای انسان مشکل است که بتواند خود را از گناهیانی که به آنها عادت کرده است، رها سازد. این مساله در آیه ۱۴ سوره مطففین (حقاً، که کارهایی که کرده بودند بر دلهاشان مسلط شده است)، بیان گردیده است.

¹ -corrective feedback

² -Gage & Berliner

انگیزش در نظریه یادگیری مشاهده‌ای

آخرین فرایند از یادگیری مشاهده‌ای، فرایندهای انگیزشی است. اهمیت انگیزش در یادگیری مشاهده‌ای از آن جهت اساسی است که اگر فرد احساس کند، رفتاری که مشاهده می‌کند، با اهمیت است، بهتر به آن توجه می‌کند و بهتر آن را به یاد می‌آورد. البته یادگیرنده همه مهارتها، راهبردها و رفتارهایی را که یاد گرفته است بروز نمی‌دهد، بلکه از میان آنچه یاد گرفته است، قسمت‌هایی را که منتج به تقویت می‌شود بروز می‌دهد و از بخشی که نتایج ناخوشایند به دنبال دارد، احتراز می‌کند (شانک، ۱۹۷۱؛ نقل از کدیور، ۱۳۸۸: ۱۱۵). انگیزه، تاثیر تقویت را پیش‌بینی می‌کند و با برانگیختن مشاهده‌کننده برای رمزگردانی و یادآوری آنچه بدان توجه کرده است، بر نگهداری رفتار مشاهده‌کننده، تاثیر می‌گذارد. ضمن اینکه تقویت مستقیم یادگیرنده، از روش‌های کمک به یادگیری است. بندورا فرایندهای دیگری را در برانگیختن یادگیرنده معرفی کرده است. از جمله فرایند تقویت جانشینی^۱ و خودتحمیلی^۲. در مورد اول، الگو برای رفتارهای مناسب خود، تقویت می‌شود و در نتیجه عملکرد مشاهده‌کنندگان بدون هیچ‌گونه تقویت مستقیم، افزایش می‌یابد. برای مثال معلمی که فراگیر را به دلیل همکاری با دیگران تقویت می‌کند، باعث می‌شود که سایر فراگیران هم، زمان بیشتری را به کارهای گروهی اختصاص بدهند. در مورد دوم، افراد در انتخاب و اجرای رفتارهای مشاهده‌شده به ارزش‌های خود مراجعه می‌کنند و به اعمالی دست می‌زنند که برای آنها ارزشمند و ارضاکننده است. در واقع بندورا معتقد است که یادگیری ممکن است در غیاب عوامل تقویتی صورت پذیرد، اما تبدیل آن به عملکرد مشاهده‌شده، نیاز به عوامل انگیزشی یعنی تقویت و پاداش دارد (کدیور، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

انگیزش در قرآن

انسان فطرتاً به یادگیری رفتارها و کارهایی تمایل دارد که سرانجام به تحصیل ثواب منتهی می‌شوند و از اعمال و رفتارهایی که منجر به شکست یا کیفر می‌شود، دوری می‌کند. قرآن در جریان فراخوانی مردم به سوی یگانه‌پرستی به موضوع بیدار کردن انگیزه‌ها از طریق تشویق آنان به ثوابی که مومنان در بهشت نعیم از آن بهره خواهند برد و همچنین ترساندن آنان از کیفر یا عذابی که دامنگیر کافران در آتش دوزخ خواهد شد، اهمیت داده است.

آیات تشویق که نعمت‌های بهشتی را توصیف می‌کند، امید دستیابی به این نعمت‌ها را در مسلمانان بر می‌انگیزد و آنها را به تقوا و اخلاص در انجام عبادت‌ها و عمل صالح و جهاد در راه خدا و امید که در زمره بهشتیان قرار گیرند. آیاتی که عذاب دوزخ را توصیف می‌کند، ترس از این عذاب دردناک را که در انتظار کافران و منافقان و متمردان از اوامر خداوند متعال است، در آنان بر می‌انگیزد و همین مساله آنها را به پرهیز از ارتکاب گناهان و معاصی و هرآنچه موجب خشم خدا و رسول خدا می‌شود و امید که خداوند ایشان را از عذاب دوزخ رهایی بخشد. توجه به آیات قرآن نشان می‌دهد که قرآن در برانگیختن انگیزه برای پذیرش اسلام نه تنها بر ترساندن مردم از عذاب تکیه نمی‌کند بلکه همزمان با آن بر امر تشویق آنان به بهره‌بردن از نعمت‌های بهشتی نیز تکیه می‌کند و این بدان سبب است که به کارگیری ترس محض یا تشویق محض، اثربخشی لازم را برای تعدیل رفتار و جهت‌دادن به آن ندارد. این آمیزه ترس و امید، خود ضامن بیدار کردن انگیزه‌های نیرومند در مسلمانان است تا روش‌های تازه اندیشه و رفتار را که این نظام در بردارنده آن است، یاد بگیرند. آیه ۸۱ و ۸۲ سوره بقره از جمله آیات تشویق و تهدیدی است که در آن نعمتی که مومنان در روز قیامت به آن دست خواهند یافت و نیز عذابی را که دامنگیر کافران خواهد شد، ذکر شده است. (آری! کسانی که تحصیل گناه کنند و آثار گناه سراسر وجودشان را ببوشاند آنها اهل دوزخند، و همیشه در آن خواهند بود کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند آنها اصحاب بهشتند و جاودانه در آن خواهند بود). آیات ۱۹۶ و ۱۹۸ سوره آل عمران، و آیات ۵۶ و ۵۷ سوره نساء نیز در بردارنده این مفاهیم است. آیات تهدید و تشویق در قرآن تنها به ذکر نعمت‌هایی که مومنان از آن بهره‌مند خواهند شد یا عذابی که در آخرت بر کافران وارد خواهد شد، اکتفا نمی‌کند. بلکه آن خیری را که مومنان در دنیا به آن دست می‌یابند و رنج و عذابی را که کافران را در همین دنیا، فرا می‌گیرد، ذکر می‌کند. آیه ۵۲ سوره هود و آیه ۱۳ سوره رعد به این واقعیت‌ها اشاره دارد: (و ای قوم من از پروردگارتان آموزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید و تبهکارانه روی بر مگردانید)، (پیوسته بلاهای کوبنده‌ای بر کافران به سبب اعمالشان وارد می‌شود، و یا به نزدیکی خانه آنها فرود می‌آید، تا وعده (نهایی) خدا فرارسد به یقین خداوند از وعده خود تخلف نمی‌کند).

¹ -ricarious reinforcement

² -self reinforcement

نتیجه گیری

از آنجا که اکثریت رفتارهای آدمیان یادگرفته می شوند، بررسی اصول یادگیری به ما کمک می کند تا علت های رفتارهایمان را بفهمیم. آگاهی از فرایند یادگیری نه تنها در فهم رفتار بهنجار و انطباقی به ما کمک می کند، بلکه امکان درک بیشتر شرایطی را که منجر به رفتار ناسازگار و نابهنجار می شود، نیز به ما می دهد و در نتیجه روش های موثر روان درمانی را بوجود می آورد. یادگیری مشاهده ای نقش مهمی در پرورش کودک دارد و از عوامل مهم در تربیت او به حساب می آید. معرفی الگو در دین مبین اسلام و دستور اکید این دین بر عملی نمودن آموزه های دینی، نشان از اهمیت این نوع یادگیری در تربیت و تعالی فرزندان دارد. والدین و مربیان که از فرزندان و دانش آموزان، انتظار رفتارهای مطلوب و پسندیده، مانند راستگویی، احترام به دیگران، صدق وعده و ... را دارند. باید بدانند که خود آنها، اولین سرمشق های فرزندان و دانش آموزان هستند. اگر والدین و مربیان در امور فوق، اهل عمل باشند، فرزندان هم از طریق یادگیری مشاهده ای به این امور، عمل خواهند کرد و اگر والدین و مربیان فقط امر کننده به امور اخلاقی باشند، فرزندان و مربیان عامل به اخلاقیات نخواهند بود. این واقعیت به صورت یک هشدار در قالب نکوهش در آیه ۴۴ سوره بقره *أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ* آمده است که می فرماید: آیا دیگران را به خیر و نیکی دعوت می کنید در حالی که خودتان را فراموش کرده اید.

منابع

قرآن کریم

- السون، متیو؛ هرگنهان، بی آر (۲۰۰۹). مقدمه ای بر نظریه های یادگیری. ترجمه علی اکبر سیف، نشر دوران. سیف، علی اکبر (۱۳۹۰). روان شناسی پرورشی نوین، روان شناسی یادگیری و آموزش. نشر دوران. طباطبایی، محمدحسین (بی تا). المیزان، ترجمه ۲۰ و ۳۰، قم: سید محمدباقر صدر، ج ۱۱ انتشارات اسلامی. کدیور، پروین (۱۳۸۸). روانشناسی یادگیری. انتشارات سمت. کلینی (۱۳۷۵) اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، ج ۱، تهران: نولی عصر. نجاتی، محمدعثمان، قرآن و روانشناسی. ترجمه عباس عرب، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی

- Light, G., & Cox, R. (2002). Learning and teaching in higher education. UK: paul chpman publishing
Pervin L. A. & P.O. John(2001), personality: theory & research, new York: John wiley & Sons, Inc.
Santrock, J.W.(2004).Educational psychology (2nd ed). New York: mcGrow Hill.
Schunk, D.H.(2000).learning theories: An educational perspective. Upper saddle river, NJ: prentice-Hall